

قوانین کیفری در اسلام

(۱)

اضطرار و ضرورت بیولوژی دست بکاری زده عقاب نمود . چون او باختیار خود دست باین کار زده است تا بتوان او را بسوء تصرفات و مجازات نمود .

و باید گفت همان طور که برای صفت سیاهی کیفری قرار داده نشده برای جنایت هم نباید کیفری قرارداد .

و معلوم است چنانچه این صفت باو بارث برسیده بود وی مرتکب چنین عملی نمیشد .

و اگر گفته شود افرادی که مرتکب اعمال ناشایست میگردند در واقع اعمالی انجام میدهند که مضر باصلاح جامعه است و باید از آن بهر صورت جلوگیری نمود و صاحبان آن اعمال را کیفر نمود .

در پاسخ میگوئیم که این مجازات و کیفر کافی در منع از پیدایش جنایات موروثی نیست، چه شخص جنایتکار بنا بر نظریه روانشناسان باختیار خود دست بجنایت زده که با عقاب و مجازات دست از آن بکشد . اما از نظر اسلام بر فرض صحت نظریه وراثت اصلاح جامعه و منع از جنایات از راه اصلاح وراثت و اصلاح جنایتکاران امری ممکن و شدنی است .

رأی علماء اجتماع :

اما جامعهشناسان در این باره چنین میگویند: که محیط یگانه سبب پرورش افراد است و تکوین هر گونه شخصیت و ایجاد هر گونه صفات در انسان مرهون تاثیرات مخصوص محیط است . و محیط را بدو قسم تقسیم کرده اند :

۱- محیط اجتماعی

۲- محیط جغرافیائی

و استناد به همین نظریه کرده و میگویند که چنانچه فردی را از کودکی از محیطی دور نمائیم از اخلاق و عادات و آداب و تقلیدها و معلومات و عرفیات آن مردم برکنار خواهد ماند .

ما در این گفتار میخواهیم در آغاز اسباب و علل ارتکاب کارهای نامشروع را ذکر نمائیم . سپس قانون اسلام را بر طبق همان علل و اسباب بیان سازیم .

درباره ارتکاب هر گونه عمل غیر قانونی خواه آن قانون نتیجه افکار انسانی باشد یا ره آورد آسمان ، علمای جامعهشناسی و روانشناسی نظریاتی دارند که میتوان گفت هر یک بنوبه خود جزئی از حقیقت را کشف نموده اند .

علمای روانشناس :

روانشناسان باستانی (زیگموند فروید) و پیروان فروید میگویند که پیدایش هر گونه شخصیت و صفاتی در بشر منوط بورااث میباشد و از طریق بیولوژی بانسان میرسد خواه آن صفت صفت شجاعت یا کرامت باشد یا ترس و لثامت ...

و چنانچه شخص سیاه پوست از پدر و مادری سفید پوست که آنها نیز پدر و مادر و اجدادشان سفید پوست بوده اند بدنیا آید ، باید در اجداد او کاوش کرد تا معلوم شود کدام یک از اجداد او سیاه پوست بوده است و این سیاهی پوست و موی پیچ پیچ و لبهای کلفت و دماغ پهن را از آن بارث برده است و این صفات در اثر قانون معروف به (جهش) باین شخص رسیده است .

و همچنین در سایر صفات از قبیل جنایت یا تحصیل یا صنعت یا تجارت و غیر اینها که هر یک از آنها صفاتی است که بورااث بانسان میرسد .

بیگمان اگر ما از نظریه روانشناسان در این خصوص پیروی نمائیم و بگفتار علمای روانشناس قائل شویم و وراثت را تمام علت بدانیم قوانین کیفری بطور کلی بیهوده خواهد بود .

زیرا عقلاً نمیتوان کسیرا که از روی

و همچنین از فراگرفتن لغت نیز محروم خواهد شد چه آنکه بشر بر حسب طبیعت خدادادی خود دارای روح اجتماعی و غریزه آمیزش است. و چنانچه از اجتماع دوری گرفته از تمام عادات و رسوم آنان دور خواهد ماند.

محیط جغرافیائی نیز عاملی است که میتوان گفت اهمیتش از محیط اجتماعی کمتر نیست، زیرا که اگر بهداشت انسان تامین نگردد و محیط جغرافیائی موافق با پرورش بدن و روح انسان نباشد عقل و فکر سالم در کالبد رنجور او نمیتواند پرورش یابد. چنانچه گفته اند: (العقل السليم في الجسم السليم).

و اسلام نیز کاملاً باین موضوع اهتمام ورزیده و انسان را مسئول به تندرستی خود نموده است.

این مطلب در ابتداء امر شاید همان طوری که جامعه شناسان بیان کرده اند بنظر میرسد لیکن باید متذکر شد که این نظریه قابل انتقاد است، زیرا بتجربه رسیده و دیده شده اشخاصی در محیطهایی زیست کرده اند که محیط در آنها هیچ تاثیری ننموده بلکه برعکس تأثیر مخالف داشته چه غالباً مصلحین و پیامبران در محیطهای اجتماعی پستی پرورش یافته اند.

و همچنین بسیار دیده شده است اشخاصی که دارای صفات و خصوصیات متشابهی بوده اند در محیطهای مختلفی زندگانی کردند و نیز افرادی مشاهده شده که دارای صفات و عاداتی مختلف بوده و حال اینکه در محیط واحدی زیست نموده اند.

از این ادله نتیجه گرفته میشود که محیط تأثیر کاملی در پرورش و تکوین افراد ندارد و چنانچه تأثیری داشته باشد در حدود مخصوصی است که از آن تجاوز نمینماید.

اسلام هر يك از این دو عامل را در تکوین شخصیت بشر موثر میداند و عامل دیگری بان اضافه مینماید که عبارت از احتیاج باشد مکتبهای مادی نیز تا حدودی از این موضوع پشتیبانی مینمایند.

از جمله پدیده های اجتماعی را چون

اشتغال بکارهای دینی یا اجتماعی با احتیاج برمیگرداند. و احتیاج را منشأ پیدایش تمام پیش آمدهای فردی و اجتماعی مینماید.

البته اسلام تا این حدود در تأثیر احتیاج در پیدایش پدیده های اجتماعی با مکتبهای مادی موافقت نمینماید اما رویهمرفته این عامل را در پیدایش پیش آمد های اجتماعی بی اثر نمیداند.

اینک بذکر شواهدی دینی در این زمینه میپردازیم پیغمبر اسلام در تأثیر وراثت میفرماید: **ایاک و خضراء الدمن فی منبت السوء** از گیاهان زیبایی که در منجلاها میرویند، پرهیزید. از این عبارت چنین استفاده میشود که انسان نباید گول زیبایی را بخورد در صورتیکه صاحب آن در یک خانواده بدسیرتی بار آمده باشد.

و اخلاق و عادات آن خانواده را کسب کرده و آثار بد آنها در او تأثیر نموده باشد. این عبارت بزرگترین شاهد بر تأثیر وراثت در فرد انسانی است.

لقمان علیه السلام در تأثیر محیط (در وصیت خود به پسرش) میفرماید:

« یا بنی من یشارک الفاجر یتعلم من طرقه و من یقارن قرین السوء لایسلم فان المجالسة تؤثر و ایاک و مجالسة الاشرار فان طبعک یسرق وانت لاتدری ».

شاهد ما بر سر کلمه تأثیر است که از محیط اجتماعی برمیآید، و لقمان میفرماید همنشینی که یکی از ظواهر اجتماعی است و یکی از بزرگترین عوامل کسب اخلاق و آداب است در اخلاق و رفتار تأثیر فراوان ارد.

از این رو میبینیم همنشینی با اشخاص شجاع روح شجاعت در انسان ایجاد میکند و در اثر آمیزش با اشخاص جبون و ترسو و لئیم و بی مروت آدمی همانطور بارمیآید. تجربه نیز این مطلب را ثابت نموده است. هر چند این مطلب شکل تازه ای بخود گرفته لکن اگر بصفحات تاریخ متقدمین برگردیم میبینیم که آنها پیش از ما باین جهات اهتمام داشتند و بهمین جهت نوزادان خود را در محیطهای صحیح اجتماعی خوبی تربیت میکردند.

بقیه در صفحه ۶۸

آفاق ما (دیده میشوند باختلاف فصول گاه بالاتر از قطب گاهی پائین تر و گاه طرف راست و گاهی طرف چپ قطب ، دو ستاره مقدم از این هفت ستاره را دلیلان گویند زیرا آنها دلالت می کنند ب ستاره جدی توضیح اینکه هر گاه خط واصل مابین آندو ستاره پنج مرتبه بجانب قطب کش دهیم آن خط ب ستاره فروزنده جدی برخورد می نماید چنانکه در شکل پیدا است.

شناختن ستاره جدی در آسمان شناسی خیلی اهمیت دارد زیرا او اگرچه روشتر از سایر ستارگان نیست لیکن برای معرفت سایر ستاره ها وسیله خوبی میباشد .

برای آنکه بتمام نقاط آسمان اطلاع پیدا نمائید ب کتاب صفحه آسمان که در آسمان شناسی نوشته شده و اخیرا بار دوم از چاپ خارج گردیده و در کتابفروشیها موجود است مراجعه نمائید .

در شماره آینده راجع به تشخیص وقت و ساعت از روی ستاره بحث خواهیم کرد .
انشاءالله



★★

« لا تستر ضعوا الحمقاء فان اللبن يغلب الطباع » .

برای شیر دادن اطفال خود زندهای احمق را اختیار ننمائید زیرا که شیر طبیعت آنها را عوض خواهد کرد .

از این دو حدیث چنین استفاده میشود که وراثت در وجود بشر تأثیر شایانی دارد .

از این رو سزاوار است که پدران و مادران فرزندان خود را بر آداب اسلامی تربیت کنند

و همانطور که آنان را با آداب اجتماعی آشنا میسازند آداب اسلامی را نیز از یاد نبرند و فرزندان خود را بتربیت دینی پرورش دهند .

در اینجا باید متذکر شد که : فلسفه تربیت و پرورش اسلام بر سایر فلسفه های تربیتی و پرورشی امتیاز روشنی دارد ، زیرا که اسلام

همه جهات انسان را در نظر گرفته یعنی همانطور که مراعات قوه بدنی را کرده در مقابل قوه روحی و عقلی و روانی را نیز نموده است و دستور العملهای اسلام کاملا توجه به پرورش این جهات دارد .

ناتمام

مابقی از صفحه ۹

و دیگر از وصیتهای لقمان علیه السلام به پسرش آن است که میفرماید :

« یابنی جالس العلماء و لاتجالس السفهاء فان من جالس العلماء وقر ، و من جالس السفهاء حقر » .

فرزندم با علماء مجالست نما و از جاهلان دوری گزین زیرا همنشینی با علماء ترا برتری میدهد و مصاحبت نادانان ترا پست میکند .

از این عبارات نیز تأثیر مجالست در روح و فکر انسان بخوبی برمیآید و آثار آمیزش عالمان با نشست و برخاست سفیهان بخوبی مقایسه میشود .

رسول اکرم میفرماید :

« لاتستر ضعوا الحمقاء ، فان الولد يشب علیه » .

زن احمق را برای شیر دادن طفل اختیار نکنید زیرا که شیر در طبیعت طفل تأثیر خواهد کرد .

علی علیه السلام میفرماید :